

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشعار لاهوتی کاوه آهنگر
فرستنده: جاوید
۱۲ جنوری ۲۰۱۹

کاوه آهنگر - ۵

پرده دوم

بهرام

بشنوید، ای پسران
بشنوید، ای پدران
مهربان مادرها
نازنین دخترها!
ای جوانان عزیز
فاقدان همه چیز
هر یکی شان بشری ست
پسر یک پدری است
دیگری از چه رود
جای من کشته شود؟
من بسی ناشادم
ده برادر دادم
طالع من شد پست
زندگانی تلخ است
من خود این راه روم
می روم کشته شوم

پیروزه غش می کند. اورا می برند

کاوه

بزرگ است روح تو، ای نامدار همین را ز تو داشتم انتظار
دریغا که از دست ما می روی در این وقت سختی چرا می روی؟
مرا مرگ از این رو نکرد انتخاب که هر روزم از نو کشد با عذاب
به خورشید رخشان و آب روان که بی تو نمی ماندم اندر جهان
بمانم که کام تو گردد روا پس از مرگ ، نام تو ماند به جا
(پیشانی او را می بوسد.)

بهرام (به مردم)

گر که آید زین غم
رحمتان بر پدرم
پسر او بشوید
یاور او بشوید

مردم

پیر با غیرت ما
شیر پُراقت ما!
ما همه یار توئیم
خویش و غمخوار توئیم

فرخ به بهرام

ای سر و سرور من
ای ز جان بهتر من
از کبوتر بازی
تا به آهن سازی
تو مرا از خردی
در پی خود بردی
در همه شادی و غم
من رفیقت بودم
از چه اکنون با زور
کنییم از خود نُور؟

یا به جان منت نه
تو مرا رخصت ده
که شوم قربانت
چون بلا گردانت
یا در این تیره سفر
تو مرا با خود بر!

بهرام

فرخ نامورم
یادگار پدرم
تو وفا داری کن
خلق را یاری کن!
چون پدر نیکو باش
پهلوان چون او باش!

(به طرف مردم)

همت، ای خلق بزرگ
نه راسید از گرگ!
باز باقیست امید
ترک کوشش نکنید!

شهریان

حرف او را بپزید
فوری او را ببزید

بهرام

این زمستان رود
الوداع، الوداع!
غنچه خندان شود
الوداع، الوداع!
بابل نغمه گر
الوداع، الوداع!
در گلستان پرد
الوداع، الوداع!

الوداع!

بهرام و مردم

الوداع!

بهرام

چون به فصل بهار

برگل و لاله زار

خوش تماشا کنید

یادی از ما کنید

الوداع

بهرام و مردم

الوداع!

مردم

پاک بهرام ما

الوداع، الوداع!

شیر ناکام ما

الوداع، الوداع!

جاودان بر تو باد

احترام، احترام!

ما ز دشمن کشیم

انتقام، انتقام!

ادامه دارد